

Sociological Explanation of Fear of Being Marginalized and its Relationship with Tendency to Commit Crime and Lawlessness among Social Media Users (Case Study: Adolescents in Ahvaz City)

Received: 04, March, 2024

Accepted: 18, May, 2024

Article type: Research Article

PP: 159-188

DOI:

[10.22034/entezam.2024.1278229\(2609\)](https://doi.org/10.22034/entezam.2024.1278229(2609))

Seyed Ali Hashemianfar

Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Iran. (Corresponding Author) Email:

seyedalihashemianfar@yahoo.com

Samira Heydari Asl

PhD in Sociology, Social Groups, Iran. Email:

Samira_heydari68@yahoo.com

Abstract

Background and objectives: The discussion about the fear of being marginalized is increasing with the emergence of new technology, namely social media. The aim of the present study was to examine the relationship between the fear of being marginalized, feelings of relative deprivation, and the tendency to commit crime and lawlessness among adolescents.

Method: The research method is a survey and the data collection tool is a questionnaire. The statistical population in this study is students living in Ahvaz and studying in the second grade of high school. Sample Power software was used to determine the sample size, and finally 459 individuals were selected. The data were analyzed using SPSS and Amos software.

Findings: The results showed that there is a significant relationship between the fear of being marginalized and the emotional dimension of the tendency to commit crime with a correlation coefficient of 0.65, between the fear of being marginalized and the cognitive dimension of the tendency to commit crime with a correlation coefficient of 0.52, and between the fear of being marginalized and the behavioral dimension of the tendency to commit crime with a correlation coefficient of 0.51. In addition, there is a significant relationship between the fear of being marginalized and the tendency to evade the law (behavioral dimension) with a correlation coefficient of 0.48, and between the fear of being marginalized and the tendency to evade the law (cognitive dimension) with a correlation coefficient of 0.57. The structural part of the model indicates that the fear of being marginalized and the tendency to evade the law (behavioral dimension) have a higher correlation with a coefficient of 0.84, and the fear of being marginalized and the tendency to commit crime (cognitive dimension) have a lower correlation with a coefficient of 0.28.

Results: The significant relationship between fear of being marginalized and the tendency to commit crime and lawlessness in this study shows that adolescents who are more afraid of being marginalized will tend to commit high-risk crimes in order to have a more beneficial experience than their peers. Meanwhile, the increasing use of social media increases the fear of being marginalized and, as a result, increases the tendency of adolescents to commit crime and lawlessness.

Keywords: Fear of being marginalized, Tendency to commit crime, Lawlessness, Feeling of relative deprivation, Social media.

Citation(APA): Hashemianfar, Seyed Ali, & Heydari Asl, Samira (2024). Sociological Explanation of Fear of Being Marginalized and its Relationship with Tendency to Commit Crime and Lawlessness among Social Media Users (Case Study: Adolescents in Ahvaz City), *Journal of Social Order*, 16(2), 159-188.

Doi: [10.22034/entezam.2024.1278229.2609](https://doi.org/10.22034/entezam.2024.1278229.2609)

تبیین جامعه‌شناختی ترس از در حاشیه ماندن و ارتباط آن با گرایش به ارتکاب جرم و قانون‌گریزی در میان کاربران رسانه‌های اجتماعی (مورد مطالعه نوجوانان شهر اهواز)

چکیده

زمینه و هدف: بحث در مورد ترس از در حاشیه ماندن با ظهور فناوری جدید یعنی رسانه‌های اجتماعی در حال افزایش است. هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط میان ترس از در حاشیه ماندن، احساس محرومیت نسبی با گرایش به ارتکاب جرم و قانون‌گریزی در میان نوجوانان بوده است.

روش: روش اجرای تحقیق پیمایشی است و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه می‌باشد. جمعیت آماری در این تحقیق، دانش‌آموزان ساکن اهواز و مشغول به تحصیل در مقطع متوسطه دوم می‌باشد، از نرم افزار sample power جهت تعیین حجم نمونه استفاده شد که در نهایت ۴۵۹ نفر انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss و Amos مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که میان ترس از در حاشیه ماندن و بعد عاطفی گرایش به ارتکاب جرم با ضریب همبستگی $0/65$ و میان ترس از در حاشیه ماندن و بعد شناختی گرایش به ارتکاب جرم با ضریب همبستگی $0/52$ و میان ترس از در حاشیه ماندن و بعد رفتاری گرایش به ارتکاب جرم با ضریب همبستگی $0/51$ رابطه‌ی معناداری وجود دارد. علاوه بر این، میان ترس از در حاشیه ماندن و گرایش به قانون‌گریزی (بعد رفتاری) با ضریب همبستگی $0/48$ میان ترس از در حاشیه ماندن و گرایش به قانون‌گریزی (بعد شناختی) با ضریب همبستگی $0/57$ رابطه‌ی معناداری وجود دارد. بخش ساختاری مدل حاکی از آن است که ترس از در حاشیه ماندن با قانون‌گریزی (بعد رفتاری) با دارا بودن ضریب $0/84$ دارای همبستگی بیشتری است و ترس از در حاشیه ماندن با گرایش به ارتکاب جرم (بعد شناختی) با دارا بودن ضریب $0/28$ دارای همبستگی کمتری می‌باشد.

نتیجه‌گیری: معنادار شدن ارتباط میان ترس از در حاشیه ماندن با گرایش به ارتکاب جرم و قانون‌گریزی در این پژوهش نشان می‌دهد که نوجوانانی که ترس از در حاشیه ماندن بیشتری دارند، برای اینکه تجربه مفیدتری از همسالان خود تجربه کنند گرایش به انجام جرمی با خطرات بالا خواهند داشت و در این بین گسترش روز افزون استفاده از رسانه‌های اجتماعی سبب افزایش ترس از در حاشیه ماندن و در نتیجه افزایش گرایش نوجوانان به ارتکاب جرم و قانون‌گریزی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ترس از در حاشیه ماندن، گرایش به ارتکاب جرم، قانون‌گریزی، احساس محرومیت نسبی، رسانه اجتماعی.

دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۴

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۳۰

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

صص: ۱۵۹-۱۸۸

شناسه دیجیتال (DOI):

[10.22034/entezam.2024Q278229.2609](https://doi.org/10.22034/entezam.2024Q278229.2609)

سید علی هاشمیانفر

گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)
رایانامه:

sevedalihakshemianfar@yahoo.com

سمیرا حیدری اصل

دکتری جامعه‌شناسی گرایش گروه‌های اجتماعی، ایران. رایانامه:

Samira_heydari68@yahoo.com

استناد (APA): هاشمیانفر، سید علی، و حیدری اصل، سمیرا (۱۴۰۳). تبیین جامعه‌شناختی

ترس از در حاشیه ماندن و ارتباط آن با گرایش به ارتکاب جرم و قانون‌گریزی در میان کاربران رسانه‌های اجتماعی (مورد مطالعه نوجوانان شهر اهواز). نشریه علمی انتظام اجتماعی، ۱۶(۲)،

۱۵۹-۱۸۸. شناسه دیجیتال: [10.22034/entezam.2024.1278229.2609](https://doi.org/10.22034/entezam.2024.1278229.2609)

با اینکه ترس از در حاشیه ماندن^۱ یا فومو، یک موضوع کاملاً جدید نیست. اما بحث در مورد ترس از در حاشیه ماندن بطور معناداری با ظهور فناوری جدید یعنی رسانه‌های اجتماعی در حال افزایش است. ترس از در حاشیه ماندن در طول تاریخ در هر شبکه‌ی ارتباطی که به افراد فرصت به دست آوردن آگاهی از زندگی دوستان، خانواده و حتی غریبه‌ها را داده است، وجود داشته. این شبکه‌های ارتباطی در گذشته، شامل روزنامه‌ها، نامه‌ها، تصاویر و خبرنامه‌های ماهانه و سالانه بود اما با پیشرفت تکنولوژی و وجود رسانه‌های اجتماعی دریافت اطلاعات از دیگران آسان تر شده است. ترس از در حاشیه ماندن، احساس ترس و اضطراب از این موضوع است که دیگران در حال انجام دادن کاری بهتر یا دارای چیز بیشتری هستند (کارگیل، ۲۰۱۹، ۶). این وضعیت می‌تواند به حفظ ارتباط مستمر با دیگران منجر شود. انسان‌ها به دلیل ماهیت اجتماعی خود، همواره نیاز به ارتباط با دیگران و دانستن اینکه در حال انجام چه کاری هستند، داشته‌اند.

با استفاده از رسانه‌های اجتماعی، این نیاز به راحتی برآورده می‌شود. زیرا کاربران می‌توانند دائماً مشاهده کنند که دوستانشان چه کاری انجام می‌دهند، از چه مکان‌هایی بازدید می‌کنند، چه چیزی می‌خورند و چه چیزی می‌خرند. ترس از در حاشیه ماندن می‌تواند در نتیجه عدم تمایل فرد به از دست دادن اطلاعات مهم که در رسانه اجتماعی وجود دارند نیز به وجود آید، این موضوع منجر به شکل‌گیری این نیاز در فرد می‌شود که مرتباً رسانه‌های اجتماعی خود را بررسی کند. امروزه بسیاری از افراد این امر را ضروری می‌دانند که با تلفن‌های همراه خود در طول روز با افراد دیگر در ارتباط باشند و این ارتباط را به هیچ وجه از دست ندهند، این پدیده به یک نیاز اساسی انسانی برای ارتباط با محیط اجتماعی در هر زمان و بدون محدودیت تبدیل شده است. ترس از در حاشیه ماندن شامل دو فرایند است: ۱. ادراک از دست

^۱ Fear of missing out

^۲ Cargill

دادن ۲. رفتار اجباری برای حفظ ارتباطات اجتماعی. در برخی موارد برخی از نوجوانان ممکن است مواد مخدر مصرف کنند یا به انجام جرم گرایش داشته باشند به این دلیل که دوستانشان یا الگوی نوجوانان که از آن بت ساختند مواد مخدر و سایر جرایم را تایید می کنند. نوجوانان برای اینکه احساس خوبی نسبت به خود داشته باشند یا درد خود را فراموش کنند، ممکن است به تقلید از همسالان خود، به مواد مخدر و انجام جرایم دیگر و قانون گریزی گرایش داشته باشند. در اغلب اوقات نوجوانان تسلیم فشار همسالان می شوند و برای مورد تأیید قرار گرفتن آنها در مصرف داروها و مواد افراط می کنند و به انجام سایر جرایم و قانون گریزی گرایش دارند. نوجوانانی که ترس از در حاشیه ماندن بیشتری را تجربه می کنند ممکن است به این موضوع سوق داده شوند که تجربیات مفیدتری از همسالان خود تجربه کنند و به همین علت خطرات بیشتری را متحمل شوند و درگیر جرائمی با خطرات بالا باشند. نوجوانان به دلایل گوناگون از جمله سن کم و کمبود تجربه، نسبت به بزرگسالان در برابر جرائم آسیب پذیرتر هستند. به دلیل حساسیت این دوران و در صورتی که از طرف والدین و جامعه توجه لازم به نوجوانان نگردد، خطرات زیادی آنها را تهدید می کند. در این دوران اکثر نوجوانان احساس ناامنی، سردرگمی و افسردگی می کنند یا درگیر موقعیت های خطرناکی می شوند که به پیامدهای آن آگاهی ندارند، حال نوجوانانی که وقت زیادی را در فضای رسانه های اجتماعی می گذرانند بیشتر در معرض جرایم قرار دارند و می توانند الگوی نامناسبی برای سایرین نیز باشند. این قشر از افراد جامعه سرمایه اصلی هر کشوری محسوب می شود که در پویایی و تداوم حیات نظام اجتماعی و رشد و توسعه همه جانبه از آن در آینده نقش بسزایی دارد. از نظر آماری، جرم به عنوان یک شاخص تجربی برای آنالیز جامعه شناختی مفید است. گرایش به جرم نشانگر تغییرات سیاسی یا اجتماعی است. اغلب جامعه شناسان علاوه بر علاقه مندی به مطالعه ی جرم، بر روی جنایاتی که نوجوانان مرتکب می شوند نیز متمرکز می شوند؛ چراکه نسل نوجوان، آینده ی هر جامعه ای است. شهر اهواز از جمله شهرهای کشور است که طی دو دهه اخیر با مشکلات زیادی در

روند شهرنشینی خود مواجه بوده است. شهر اهواز در سال‌های اخیر از رشد جمعیتی و کالبدی قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده است که این رشد جمعیت بیشتر ناشی از مهاجرت‌های روستاییان از نقاط مختلف استان به شهر اهواز است. از جمله پیامدهای ناگوار این مهاجرت بی‌رویه، کجروی‌های اجتماعی می‌باشد. بطور کلی، در بین شهرهای کشور، شهر اهواز به دلایل متعدد از جمله وجود مراکز صنعتی، حاشیه نشینی بسیار گسترده و ناهمگونی فرهنگی در بین اقوام مختلف در زمینه ی ارتکاب جرایم شهری از آمار نسبتاً بالایی برخوردار است. در این بین، نوجوانان نیز به عنوان قشر آسیب پذیر بیش از سایر اقشار در معرض ارتکاب جرائم به خصوص جرائم مرتبط با مواد مخدر هستند (فیروزجانی و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۲۷). بنابراین، با توجه به اینکه استان خوزستان دارای جمعیتی نوجوان و جوان است و استفاده از رسانه های اجتماعی نیز زیاد شده است، انجام این پژوهش می تواند نقش مهمی در شناسایی عوامل اصلی مؤثر بر گرایش به جرم و قانون گریزی و پیشگیری از آن ایفا کند. همچنین، به نظر می رسد با انجام این گونه پژوهش ها می توان زمینه های مشابه در افراد مستعد گرایش به ارتکاب جرم را از بین برد و تا حدود زیادی به کاهش جرائم و انحرافات در جامعه کمک کرد که علاوه بر کاهش هزینه های پرداختی دولت، فراجا و ... می توان راهکارهای مناسب ارائه نمود تا به تقویت بسترهای سالم جامعه منجر گردد. علاوه بر این، با توجه به اینکه توجه علمی به مفهوم ترس از در حاشیه ماندن کم است و در کشور ایران هنوز به این موضوع توجه چندانی نشده است، تحقیقات لازم در این زمینه برای دستیابی به بینش بهتر از روابط افراد با ابزار رسانه ای ضروری است. ما در این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش می باشیم که آیا میان ترس از در حاشیه ماندن با گرایش به جرم و قانون گریزی در میان کاربران نوجوان رسانه های اجتماعی شهرستان اهواز ارتباط معناداری وجود دارد؟

پیشینه و مبانی نظری پژوهش

حسین زاده و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «تعیین گره‌های اجتماعی و روانشناختی گرایش به ارتکاب جرم در میان جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال اهواز» به این نتایج رسیدند که میزان گرایش به ارتکاب جرم در میان جوانان شهر اهواز در حد متوسط به پایین است و میان متغیرهای سرمایه روانشناختی، سرمایه فرهنگی، آنومی اجتماعی و گرایش به ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد. اسدی و شریفی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «تدوین و اعتبارسنجی مقیاس ترس از در حاشیه ماندن در جامعه ایرانی» به این نتایج رسیدند که پرسشنامه ترس از در حاشیه ماندن با سه خرده مقیاس فقدان، اجبار و مقایسه و ۱۸ سوال، از لحاظ روانسنجی از پایایی و برازندگی خوبی برخوردار است. حسینی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «هیجان‌های منفی، ترس از در حاشیه ماندن و قربانی‌قلداری سایبری: یک مدل معادلات ساختاری برای نوجوانان» به این نتایج رسیدند که اولین فضای مجازی مورد استفاده نوجوانان مورد مطالعه اینستاگرام بوده است. یافته‌های این مطالعه بیانگر اثر مستقیم هیجان‌های منفی بر ترس از حاشیه ماندن و قربانی‌قلداری است و ترس از در حاشیه ماندن نیز بر قربانی‌قلداری سایبری اثر مستقیم دارد. سرافراز، نیکخواه و رستگار (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر زمینه‌های اجتماعی پدیده‌های قانون‌گریزی» به این نتایج رسیدند که میان جنسیت، هویت فردی و گروه همسالان با قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد و نرخ قانون‌گریزی بر حسب مناطق مسکونی متفاوت است. محمدی صادق و علم‌زاده (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی تاثیر فضای مجازی بر ارتکاب جرم جوانان و نوجوانان» به این نتایج رسیدند که میان متغیرها میزان استفاده از فضای مجازی، اعتیاد به فضای مجازی، نبود نظارت و کنترل در فضای مجازی و گمنامی و ناشناس بودن در فضای مجازی و متغیر ارتکاب جرم جوانان و نوجوانان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بایرامی و همکاران (۱۳۹۸) در اثر پژوهشی با عنوان «بررسی ارتباط ترس از در حاشیه ماندن و استفاده از شبکه‌های اجتماعی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه» به

این نتایج رسیدند که میان زمان صرف شده در رسانه‌های اجتماعی با ترس از در حاشیه ماندن و همچنین افسردگی ارتباط معنادار وجود دارد.

کوثری (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «تاثیر رسانه‌های اجتماعی بر ترس از در حاشیه ماندن و مصرف مواد در میان نوجوانان» به این نتایج رسیدند که دخانیات و الکل رایج‌ترین شکل سوء مصرف مواد در بین نوجوانان است و پس از آن مواد استنشاقی و حشیش قرار دارند و ارتباط مثبتی بین استفاده از رسانه‌های اجتماعی و مصرف مواد ناشی از ترس از در حاشیه ماندن وجود دارد. ام‌سی‌کی و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «ترس از در حاشیه ماندن و رفتارهای مجرمانه در دانشجویان» به این نتایج رسیدند که ترس از در حاشیه ماندن با مصرف الکل و مواد مخدر، تقلب در امتحان و رفتارهای غیرقانونی ارتباط دارد. ککر (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «ارتباط میان ترس از در حاشیه ماندن با اضطراب و پرخاشگری جوانان» به این نتایج رسید که میان ترس از در حاشیه ماندن، اعتیاد به رسانه‌های اجتماعی و عوامل روانشناختی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. چن (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «ارتباط میان عملکرد خانواده و ترس از در حاشیه ماندن» به این نتایج رسید که افزایش عملکرد خانواده موجب کاهش سطح ترس از در حاشیه ماندن می‌شود و میان ترس از در حاشیه ماندن و اعتیاد به رسانه‌های اجتماعی نیز ارتباط معناداری وجود دارد. جود (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «ترس از در حاشیه ماندن و رضایت از زندگی» به این نتیجه رسید که ترس از در حاشیه ماندن ترس فراگیری است که زندگی فرد را در بر می‌گیرد و با استفاده از رسانه‌های اجتماعی همتایان تشدید می‌شود. مطالعه‌ای که انجام شده است نشان داده است که ۶۲٪ از پاسخ‌دهندگان از اینکه چیزی ممکن است در جای دیگر اتفاق بیفتد نگرانی دارند. این مطالعه بر اهمیت مطالعه ترس از در حاشیه ماندن به عنوان مفهومی مهم در کشور آفریقای جنوبی تأکید

۱ Kothari
۲ Mckee
۳ kacker
۴ chen
۵ jood

می‌کند. فاسترو همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «ترس از در حاشیه ماندن، رسانه‌های اجتماعی و اعتیاد به تلفن همراه با استفاده از مدل ال پی ای» به این نتایج رسید که کاربرانی که استفاده کمی از رسانه‌های اجتماعی داشته‌اند، میزان ترس از در حاشیه ماندن و اعتیادشان به تلفن همراه کمتر بوده است و افرادی که استفاده زیادی از رسانه‌های اجتماعی داشته‌اند و امکان آسیب‌پذیری آن‌ها از تلفن همراه و رسانه‌های اجتماعی به علت اختلالاتی که داشته‌اند بیشتر بوده است، میزان ترس از در حاشیه ماندن و اعتیاد به تلفن همراه بیشتری داشته‌اند.

جمع بندی پیشینه

بررسی تحقیقات پیشین نشان می‌دهد در کشور ایران توجه علمی توسط جامعه شناسان به مسئله ترس از در حاشیه ماندن بسیار کم بوده است و بررسی این موضوع بیشتر توسط روانشناسان انجام شده و بیشتر به بررسی ارتباط آن با ویژگی‌های روانشناختی پرداخته شده است. از این رو لازم است که با دید جامعه‌شناسی به این موضوع پرداخته شود. علاوه بر این، تاکنون به بررسی ارتباط ترس از در حاشیه ماندن و گرایش به ارتکاب جرم و قانون‌گریزی با وجود گسترش روزافزون استفاده نوجوانان از رسانه‌های اجتماعی پرداخته نشده است.

چارچوب نظری

مفهوم شناسی

ترس از در حاشیه ماندن

احساس ترس و اضطراب از این است که همسالان در حال انجام دادن کاری بهتر یا دارای چیزی بیشتر یا بهتر از فرد در زندگی واقعی یا فضای مجازی هستند (پرزبیلسکی، ۲۰۱۳، ۲).

گرایش به ارتکاب جرم

حالت بالقوه ای از رفتار است که فعلیت نیافته و جرمی صورت نپذیرفته است؛ لیکن میل و رغبت به این شیوه ی رفتاری در افراد وجود داشته و در صورت بروز و وجود زمینه ی مساعد، این میل و رغبت تبدیل به رفتار مجرمانه خواهد شد (اکبرپور و داد، ۲۸، ۱۳۹۴).

قانون گریزی

قانون گریزی رفتاری است که از مخالفت با قوانین رسمی جامعه انجام می گیرد و قانون گریز کسی است که با رفتار خود به صورت آگاهانه و از روی عمد قوانین رسمی جامعه را نادیده می گیرد. با توجه به این که همه افراد جامعه در طول زندگی خود از چند قاعده رسمی تخطی می کنند و کسانی هم هستند که دائماً قوانین را نادیده می گیرند، بنابراین قانون گریزی طیفی از رفتار است که از قانون گریزی دائمی، خشن و شدید (مثل سرقت، قتل و ...) تا قانون گریزی گاه گاهی، غیر خشن و ضعیف (مثل ندادن مالیات، عبور از چراغ قرمز و...) را دربر می گیرد. آن چه که مسلم است این که افراد کمتری در هر جامعه مرتکب قانون گریزی از نوع اول می شوند، در حالی که همه افراد جامعه به نوعی مرتکب قانون گریزی از نوع دوم می شوند. بر این اساس قانون گریزی را بر اساس ویژگی ها و شدت آن می توان به دو نوع متفاوت سخت و نرم تقسیم در اثر این نوع قانون گریزی فرد خاصی آسیب می بیند. این نوع قانون گریزی در جامعه به عنوان جرم شناخته می شود و به افرادی که این نوع قانون گریزی از آنها سر می زند مجرم می گویند. سرقت، قتل و قاچاق مواد مخدر نمونه هایی از این نوع قانون گریزی هستند. قانون گریزی نرم به هر نوع رفتاری که قوانین رسمی جامعه را نادیده گرفته و دارای ویژگی غیرخشونت آمیز، گاه گاهی و عمدتاً بدون مجازات یا مجازات ضعیف باشد قانون گریزی نرم گفته می شود. در نتیجه این نوع قانون گریزی عمدتاً جامعه آسیب می بیند. در جامعه این نوع قانون گریزی به عنوان جرم در نظر گرفته نمی شود و کمتر عکس العملی منفی در برابر این نوع قانون گریزان دیده می شود. نادیده

گرفتن قوانین رانندگی، ندادن مالیات یا عوارض و استفاده از کپی های غیر مجاز نمونه هایی از این نوع قانون گریزی در جامعه است (علی بابایی و فیروزجاییان، ۱۳۸۸، ۷).

مبانی نظری

نظریه مقایسه اجتماعی^۱

تئوری مقایسه اجتماعی ابتدا توسط فستینگر^۲ در سال ۱۹۵۴ ارائه شد، طبق این نظریه افراد برای ارزیابی خود، اغلب در مقایسه با دیگران، خود را ارزیابی می کنند. یکی از راه های اصلی برای ارزیابی خود، از طریق مقایسه اجتماعی یا تجزیه و تحلیل خود در رابطه با دیگران است. در اغلب موارد، انسان سعی می کند خود را نسبت به کسانی که در گروه همسالانش است مقایسه کند یا با آنها مشابه شود. از خود ارزیابی می توان به عنوان محرکی استفاده کرد که باعث تعلق افراد به گروه ها و ارتباط با افراد می شود. احساس رضایت و مطلوبیت در انجام کارهای مهم نسبت به دیگران، برخی از مزایایی است که فرد از تعامل با دیگران بدست می آورد. این نیاز به مقایسه خود با دیگران عامل مهمی در ساخت انسان به عنوان یک موجود اجتماعی است، افراد تمایل دارند گروه های را که عقاید یکسانی دارند و توانایی های یکسانی دارند، به خود جذب کنند. دسترسی آسان به اطلاعات در مورد چگونگی زندگی سایر افراد می تواند منجر به مقایسه بی دردسر فرد با دیگران شود. هنگام مقایسه زندگی فرد با همسالان، گزینه های متنوعی ارائه می شود که همیشه جذاب تر از فعالیتی است که فرد در حال حاضر انجام می دهد و این موضوع سبب به وجود آمدن ترس از در حاشیه ماندن و در نتیجه گرایش به جرم و قانون گریزی برای همانند شدن با همسالان فرد می شود (جود، ۲۰۱۹، ۳۰).

^۱ Theory of Human Motivation

^۲ Festinger

نظریه رفتار مشکل ساز^۱

در این نظریه جسون و جسون^۲ علل رفتارهای مشکل زای نوجوانان در زمینه‌های: ۱. عوامل شخصیتی فرد ۲. عوامل محیطی ۳. سیستم رفتاری فرد دانسته‌اند که باعث یادگیری و انسجام رفتارهای پرخطر خواهد شد. در زمینه عوامل شخصیتی شکل‌گیری هویت انسجام نیافته، عزت نفس و خودکنترلی پایین نوجوانان را مستعد‌گرایش به رفتارهای پرخطر می‌کند اما در مورد عوامل محیطی گرایش به همسالان و حفظ ارتباط با آنها می‌تواند روی ترس از در حاشیه ماندن تاثیرگذار باشد (علیزادگانی و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۰۷).

نظریه مهار

نظریه مهار که توسط والتر رکلس^۳ مطرح گردیده به عنوان یکی از نحله‌های نظریه کنترل اجتماعی معرفی می‌گردد. این نظریه بر این مدار دایر شده که همواره افراد در معرض فشارها و کشش‌هایی هستند که می‌توانند به تولید جرم منتهی شوند. فشارهایی مثل (محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی، مشکلات خانوادگی و...) و کشش‌هایی مانند (تشویق گروه همسالان، پذیرش و مقبولیت در خرده فرهنگ‌های مجرمانه و...). از این رو نوجوانانی که ترس از در حاشیه ماندن بیشتری دارند و سعی در ارتباط مستمر با همسالان خود دارند، تحت تأثیر گروه همسالان و برای مقبولیت نزد آن‌ها ممکن است به تولید جرم می‌پردازند. در این میان مهارت کف نفس به عنوان ابزاری مهارکننده و بازدارنده محسوب می‌شود که از طریق ارائه راه‌های جایگزین انحراف و فرصت‌های تقویت تعلق اجتماعی فرد را به سوی همنوایی سوق می‌دهد (شیخ الاسلامی و همکاران، ۲۰۲۱، ۲۲).

^۱ Problematic behavior theory

^۲ Jessor & Jessor

^۳ Walter Reckless

نظریه معاشرت ترجیحی^۱

ادوین ساترلند^۲ اصطلاح همنشینی افتراقی را به عنوان تبیینی از رفتار انحرافی به کار می‌گیرد. پیوند افتراقی جزئی از یادگیری اجتماعی شامل تاثیر اعضای خانواده و گروه‌های همتایان صمیمی دیگر یا گروه‌های ثانویه مانند همسایه‌ها، معلمان، مدرسه، شخصیت‌های مقتدر و قانونی و همچنین گروه‌ها و شبکه‌های مجازی مانند رسانه‌های جمعی، اینترنت و تلفن‌های همراه و... است. گذشته از آن، پیوند افتراقی از نظر تکرار، طول مدت، ترجیح و شدت متفاوت اند. اگر فردی به طور متفاوتی با بیشتر کسانی مرتبط باشد که در رفتارهای انحرافی و مجرمانه درگیر شده‌اند یا گرایش‌های شبه مجرمانه از خود نشان می‌دهند، احتمال بیشتری دارد که در این رفتارهای انحرافی یا مجرمانه درگیر شود (محمدی صادق و علم زاده، ۱۴۰۰، ۱۷۵). با توجه به اینکه در سنین نوجوانی گروه همسالان از امتیاز بالایی برای نوجوان برخوردار می‌شوند و فرد با شدت و میزان بیشتری با این گروه در ارتباط است و برای آن اهمیت ویژه‌ای قائل است میزان اثرپذیری و یادگیری و تکرار رفتار از این گروه بیشتر است، به عنوان مثال در گروه‌های دوستانه از منافع حاصل از فروش مواد مخدر سخن بگویند، بنابراین در وهله نخست، نوع واکنش‌های گروه‌های نزدیک و کوچک مرتبط با شخص بزهکار است که ارتکاب رفتار مجرمانه یا خودداری از ارتکاب آن را در فرد بزهکار تقویت می‌نماید (معظمی، ۱۳۹۰، ۱۸۲). گروه‌های اجتماعی کوچک نظیر خانواده، دوستان و همسالان در مقایسه با گروه‌های بزرگ‌تر اجتماعی نظیر شهروندان و به طور کلی جامعه میزبان تاثیر بیشتری بر تمایل به ارتکاب جرم و تقویت زمینه ارتکاب جرم در فرد دارند (کرمی، ۱۳۶، ۱۴۰). از این رو، نوجوانانی که ترس از در حاشیه ماندن بیشتری را تجربه می‌کنند و سعی در حفظ ارتباط خود با دیگر نوجوانان دارند، برای همنوایی با گروه همسالان سعی در تکرار و یادگیری جرایم از گروه همسالان را دارند.

^۱ Differential Association Theory

^۲ Sutherland

نظریه خود تعیین گری^۱

این نظریه توسط دسی^۲ و رایبان^۳ در سال ۱۹۸۰، مطرح شد. بر مبنای نظریه خود تعیین گری، انگیزش افراد تحت تأثیر سه نیاز اساسی روان‌شناختی است. این سه نیاز اساسی شامل نیاز به استقلال، نیاز به شایستگی و نیاز به ارتباط است. نیاز به استقلال زمانی برآورده می‌شود که فرد احساس اراده و اختیار در اعمال و رفتار خود تجربه کند. نیاز به شایستگی زمانی برآورده می‌شود که فرد به صورت موفقیت‌آمیز به برون داده‌های مطلوب، استانداردهای عملکرد و مدیریت چالش‌های متفاوت نائل آید. نیاز به ارتباط زمانی برآورده می‌شود که فرد احساس همبستگی با دیگران را و اینکه از جانب آنان مهم تلقی می‌شود را تجربه کند. از این رو فرد ممکن است به این باور برسد که برای تعلق داشتن به یک گروه باید از اینکه دیگران در حال انجام چه کاری هستند آگاهی یابد تا فعالیت‌هایی را انجام دهد که دیگران انجام می‌دهند و این گونه است که می‌توان موقعیت خود را در یک گروه تضمین کند. ترس از در حاشیه ماندن را از دیدگاه این نظریه می‌توان حالت خود نظارتی توصیف کرد که در اثر عدم برآورده سازی نیازهای روانی از جمله نیازهای ارتباطی ایجاد می‌شود. این نوع ترس، وابستگی و اعتیاد به رسانه‌های اجتماعی نیست بلکه منظور این است که دوستان او چه چیزی را تجربه کرده‌اند که او از دست داده است. در این زمان، فرد از طریق رسانه‌های اجتماعی، اطلاعات دریافت می‌کند و از آنچه دوستانش انجام داده‌اند اطلاع می‌یابد. در اینجا مهم نیست که فرد در آن رویداد حضور ندارد بلکه مهم این است که در مورد جزئیات آن موضوع اطلاعات را به دست آورد. تلفن همراه و رسانه‌های اجتماعی نیاز به اطلاعات در مورد اینکه افراد دیگر در حال انجام چه کاری هستند و نیاز به ارتباط با آنها را در هر زمان برآورده می‌کند (ابل، ۲۰۱۶: ۲).

^۱ Self-determination theory

^۲ Deci

^۳ Ryan

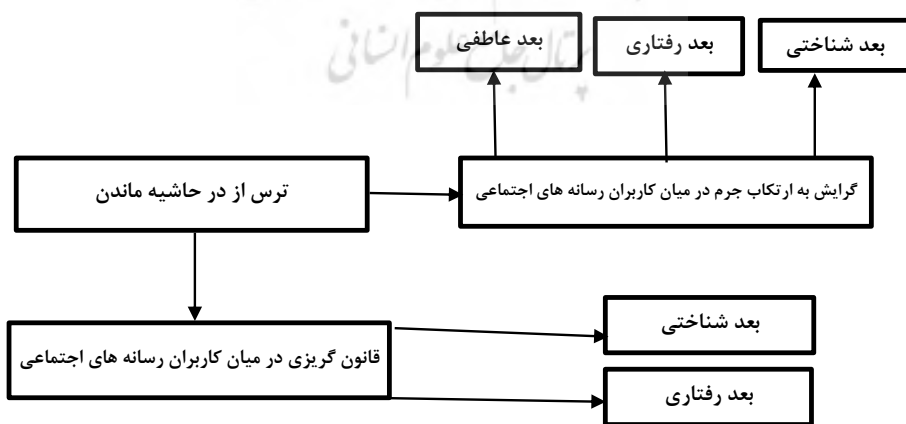
چارچوب نظری پژوهش

از نظریه ترکیبی جهت پیوند نظر و عمل استفاده شد.

در این پژوهش، از نظریات مقایسه اجتماعی، رفتارمشکل ساز، مهار، معاشرت ترجیحی و خود تعیین گری برای تبیین فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است.

فرضیات پژوهش

- میان ترس از درحاشیه ماندن و بعد عاطفی گرایش به ارتکاب جرم کاربران رسانه های اجتماعی ارتباط وجود دارد.
- میان ترس از درحاشیه ماندن و بعد شناختی گرایش به ارتکاب جرم کاربران رسانه های اجتماعی ارتباط وجود دارد.
- میان ترس از درحاشیه ماندن و بعد رفتاری گرایش به ارتکاب جرم کاربران رسانه های اجتماعی ارتباط وجود دارد.
- میان ترس از در حاشیه ماندن و بعد شناختی گرایش به قانون گریزی کاربران رسانه های اجتماعی ارتباط وجود دارد.
- میان ترس از در حاشیه ماندن و بعد رفتاری گرایش به قانون گریزی کاربران رسانه های اجتماعی ارتباط وجود دارد.



روش تحقیق

نوع تحقیق در این پژوهش کاربردی است و روش اجرای تحقیق نیز پیمایشی است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه می‌باشد. در این پژوهش، از مقیاس رزیلسکی برای سنجش ترس از در حاشیه ماندن با ۹ گویه استفاده شده است. متغیر گرایش به ارتکاب جرم در سه بعد عاطفی (۶ گویه)، شناختی (۵ گویه) و رفتاری (۵ گویه) مورد سنجش قرار گرفته است و متغیر گرایش به قانون‌گریزی نیز در دو بعد رفتاری (۶ گویه) و شناختی (۶ گویه) سنجیده شده است. واحد مشاهده و تحلیل این تحقیق فرد می‌باشد. جمعیت آماری در این تحقیق، دانش‌آموزان ساکن اهواز و مشغول به تحصیل در مقطع متوسطه دوم می‌باشد که بر اساس آمارنامه‌ی شهر اهواز تعدادشان ۴۲۵۳۹ نفر می‌باشد. از آنجایی که از ضریب همبستگی پیرسون جهت بررسی رابطه‌ی میان متغیرها استفاده خواهد شد از نرم افزار sample power جهت تعیین حجم نمونه استفاده شد که در نهایت ۴۵۹ نفر انتخاب شدند. چگونگی تعیین حجم نمونه در شماره ۱ آمده است. شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش نمونه‌گیری سهمیه‌ای می‌باشد. چگونگی انتخاب سهمیه‌ها در جدول شماره ۲ و ۳ آمده است. پس از جمع‌آوری پاسخ‌های پاسخگویان، داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss و Amos در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. از لحاظ زمانی این تحقیق در سال ۱۴۰۲ اجرا شده است. برای بررسی اعتبار پرسشنامه تحقیق از اعتبار صوری استفاده شد و برای سنجش پایایی نیز از آلفای کرونباخ استفاده گردید و نتایج آن در جدول شماره ۴ آورده شده است.

جدول شماره ۱: تعداد نمونه در نرم افزار sample power

نام متغیر	corr	vs	N cases	CI level	lower	upper	Tails	Alpha	Power
ترس از در حاشیه ماندن و بعد عاطفی گرایش به ارتکاب جرم	۰,۷۹	۰,۰۰	۸	۰,۹۵۰	۰,۱۹	۰,۹۶	۲	۰,۵۰	۰,۸۵۷
ترس از در حاشیه ماندن و بعد شناختی گرایش به ارتکاب جرم	۰,۵۱	۰,۰۰	۲۵	۰,۹۵۰	۰,۱۴	۰,۷۵	۲	۰,۵۰	۰,۸۱۰

۰,۸۰۱	۰,۵۰	۲	۰,۴۱	۰,۰۷	۰,۹۵۰	۱۲۰	۰,۰۰۰	۰,۲۵	ترس از در حاشیه ماندن و بعد رفتاری گرایش به ارتکاب جرم
۰,۸۰۰	۰,۵۰	۲	۰,۲۲	۰,۰۴	۰,۹۵۰	۴۵۹	۰,۰۰۰	۰,۱۳	ترس از در حاشیه ماندن و قانون گریزی

جدول شماره ۲: توزیع جامعه آماری بر حسب نواحی آموزش و پرورش

ناحیه	تعداد دانش آموزان متوسطه دوره دوم شهر اهواز
۱	۱۲۲۳۱
۲	۱۲۷۵۷
۳	۹۱۶۸
۴	۸۳۸۳

(منبع: آمارنامه کلانشهر اهواز، سال ۱۴۰۲)

جدول شماره ۳: تعداد نمونه آماری بر حسب نواحی آموزش و پرورش

ناحیه	تعداد نمونه آماری
۱	۱۳۱
۲	۱۳۸
۳	۹۹
۴	۹۰

جدول شماره ۴: مقدار آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

آلفا	ابعاد متغیر	متغیر
۰,۸۰۶	رفتاری	گرایش به ارتکاب جرم
۰,۷۴۸	شناختی	
۰,۷۳۲	عاطفی	
۰,۷۸۵	رفتاری	قانون گریزی
۰,۷۲۶	شناختی	
۰,۸۲۹	-	ترس از در حاشیه ماندن

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

نتایج به دست آمده در بخش آمار توصیفی نشان داد که دامنه سنی نمونه‌ی آماری پژوهش بین ۱۵ سال تا ۱۹ سال سن و میانگین سنی نمونه نیز ۱۶,۴۳ بوده است. بیشترین گروه از پاسخ‌گویان با درصد فراوانی ۳۱٪، ۱۶ سال سن و

کمترین تعداد پاسخگویان مربوط به پاسخ‌گویی بوده است که ۱۹ سن داشته‌اند. توزیع فراوانی مربوط به سال تحصیلی نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی مربوط به دانش آموزان یازدهم با فراوانی ۱۶۸ از مجموع ۴۵۹ نفر است. توزیع فراوانی مربوط به جنسیت نشان داد که ۲۳۳ نفر از نمونه آماری را پسران و ۲۲۶ نفر از نمونه را دختران تشکیل داده‌اند. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب رشته‌ی تحصیلی نشان داد که بیشترین تعداد از نمونه آماری با فراوانی ۱۴۶ نفر مربوط به رشته‌ی تجربی و کمترین تعداد از نمونه آماری با فراوانی ۸۷ نفر مربوط به رشته‌های فنی و حرفه‌ای بوده‌اند.

جدول شماره ۵: مشخصات پاسخگویان پرسشنامه‌ها

شاخص	سنجه	فراوانی	شاخص	سنجه	فراوانی
جنسیت	پسر	۲۳۳	سال تحصیلی	دهم	۱۶۱
	دختر	۲۲۶		یازدهم	۱۶۸
	کل	۴۵۹		دوازدهم	۱۳۰
				کل	۴۵۹
سن	۱۵ سال	۱۱۶	رشته تحصیلی	انسانی	۱۳۶
	۱۶ سال	۱۴۱		تجربی	۱۴۶
	۱۷ سال	۱۱۹		ریاضی	۹۰
	۱۸ سال	۵۱		فنی و حرفه‌ای	۸۷
	۱۹ سال	۳۲		کل	۱۲۵
	کل	۴۵۹		کل	۴۵۹

(ب) یافته‌های استنباطی

آزمون فرضیات

فرضیه اول بیان می‌دارد که میان ترس از در حاشیه ماندن و بعد عاطفی گرایش به ارتکاب جرم رابطه‌ی معناداری وجود دارد. جدول ۳ نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون را نشان می‌دهد.

جدول ۶. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون فرضیه اول

فرضیه	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
ترس از در حاشیه ماندن و بعد عاطفی گرایش به ارتکاب جرم	۰٫۶۵	۰٫۰۰

با توجه به جدول ۳، از آنجا که سطح معناداری (sig) آزمون همبستگی پیرسون فرضیه اول از ۰,۰۵ کم تر است. در نتیجه فرضیه فوق مورد تأیید قرار می گیرد و میان ترس از در حاشیه ماندن و بعد عاطفی گرایش به ارتکاب جرم (۰,۶۵) رابطه‌ی معناداری وجود دارد. یعنی با افزایش ترس از در حاشیه ماندن در افراد گرایش به ارتکاب جرم (بعد عاطفی) آن‌ها بیشتر می شود و با کاهش ترس از در حاشیه ماندن، گرایش به ارتکاب جرم (بعد عاطفی) کاهش می یابد.

فرضیه دوم بیان می دارد که میان ترس از در حاشیه ماندن و بعد شناختی گرایش به ارتکاب جرم رابطه‌ی معناداری دارد. جدول ۴ نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون را نشان می دهد.

جدول ۷. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون فرضیه دوم

سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	فرضیه
۰,۰۰	۰,۵۲	ترس از در حاشیه ماندن و بعد شناختی گرایش به ارتکاب جرم

با توجه به جدول ۴، از آنجا که سطح معناداری (sig) آزمون همبستگی پیرسون فرضیه اول از ۰,۰۵ کم تر است. در نتیجه فرضیه فوق مورد تأیید قرار می گیرد و میان ترس از در حاشیه ماندن و بعد شناختی گرایش به ارتکاب جرم (۰,۵۲) رابطه‌ی معناداری وجود دارد. یعنی با افزایش ترس از در حاشیه ماندن در افراد گرایش به ارتکاب جرم (بعد شناختی) آن‌ها بیشتر می شود و با کاهش ترس از در حاشیه ماندن، گرایش به ارتکاب جرم (بعد شناختی) کاهش می یابد.

فرضیه سوم بیان می دارد که میان ترس از در حاشیه ماندن و بعد رفتاری گرایش به ارتکاب جرم رابطه‌ی معناداری دارد. جدول ۵ نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون را نشان می دهد.

جدول ۸. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون فرضیه سوم

سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	فرضیه
--------------	---------------------	-------

ترس از در حاشیه ماندن و بعد رفتاری گرایش به ارتکاب جرم	۰,۵۱	۰,۰۰
--	------	------

با توجه به جدول ۵، از آنجا که سطح معناداری (sig) آزمون همبستگی پیرسون فرضیه اول از ۰,۰۵ کم‌تر است. در نتیجه فرضیه فوق مورد تأیید قرار می‌گیرد و میان ترس از در حاشیه ماندن و بعد رفتاری گرایش به ارتکاب جرم (۰,۵۱) رابطه‌ی معناداری وجود دارد. یعنی با افزایش ترس از در حاشیه ماندن در افراد گرایش به ارتکاب جرم (بعد رفتاری) آن‌ها بیشتر می‌شود و با کاهش ترس از در حاشیه ماندن، گرایش به ارتکاب جرم (بعد رفتاری) کاهش می‌یابد.

فرضیه چهارم بیان می‌دارد که میان ترس از در حاشیه ماندن و بعد رفتاری قانون‌گریزی رابطه‌ی معناداری دارد. جدول ۶ نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون را نشان می‌دهد.

جدول ۹. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون فرضیه چهارم

فرضیه	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
ترس از در حاشیه ماندن و بعد رفتاری گرایش به قانون‌گریزی	۰,۴۸	۰,۰۰

با توجه به جدول ۶، از آنجا که سطح معناداری (sig) آزمون همبستگی پیرسون فرضیه اول از ۰,۰۵ کم‌تر است. در نتیجه فرضیه فوق مورد تأیید قرار می‌گیرد و میان ترس از در حاشیه ماندن و بعد رفتاری قانون‌گریزی (۰,۴۸) رابطه‌ی معناداری وجود دارد. یعنی با افزایش ترس از در حاشیه ماندن در افراد گرایش به قانون‌گریزی (بعد رفتاری) آن‌ها بیشتر می‌شود و با کاهش ترس از در حاشیه ماندن، قانون‌گریزی (بعد رفتاری) کاهش می‌یابد.

فرضیه پنجم بیان می‌دارد که میان ترس از در حاشیه ماندن و بعد شناختی قانون‌گریزی رابطه‌ی معناداری دارد. جدول ۷ نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون را نشان می‌دهد.

جدول ۱۰. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون فرضیه چهارم

فرضیه	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
ترس از در حاشیه ماندن و بعد شناختی گرایش به قانون‌گریزی	۰,۵۷	۰,۰۰

با توجه به جدول ۷، از آنجا که سطح معناداری (sig) آزمون همبستگی پیرسون فرضیه اول از ۰,۰۵ کم تر است. در نتیجه فرضیه فوق مورد تأیید قرار می گیرد و میان ترس از در حاشیه ماندن و بعد شناختی قانون گریزی (۰,۵۷) رابطه‌ی معناداری وجود دارد. یعنی با افزایش ترس از در حاشیه ماندن در افراد گرایش به قانون گریزی (بعد شناختی) آن‌ها بیشتر می شود و با کاهش ترس از در حاشیه ماندن، قانون گریزی (بعد شناختی) کاهش می یابد.

الگوسازی معادلات ساختاری با کاربرد Amos graphics

در این قسمت به آزمون اعتبار سازه‌ای وسیلهٔ اندازه گیری و آزمون نیکویی برازش ساختار مورد نظر با استفاده از نرم افزار Amos با در اختیار داشتن داده‌های مربوط به متغیرهای برگرفته شده از فرضیه‌ها پرداخته خواهد شد. در بخش اندازه گیری همچنان که از مدل برمی آید بیشتر معرف‌های متغیرهای مکنون به طور نسبتاً مناسب روی آنها بار شده اند. نتایج مدل معادله ساختاری نشان می دهد که کلیه شاخص‌های تطبیقی مدل نیز مقادیر بالاتر از ۰/۹۰ را نشان می دهند که به معنای توان مدل از فاصله گرفتن از یک مدل استقلال و نزدیک شدن به یک مدل اشباع شده بر مبنای معیارهای تعریف شده برای آنها است. بخش ساختاری مدل حاکی از آن است که ترس از در حاشیه ماندن با قانون گریزی (بعد رفتاری) با دارا بودن ضریب ۰/۸۴ دارای همبستگی بیشتری است. بنابراین در محاسبات مربوط به این متغیر پنهان از وزن بیشتری برخوردار است. در مقابل ترس از در حاشیه ماندن با گرایش به ارتکاب جرم (بعد شناختی) با دارا بودن ضریب ۰/۲۸ دارای همبستگی کمتری می باشد. در نتیجه، در محاسبات مربوطه از وزن کمتری برخوردار می باشد.

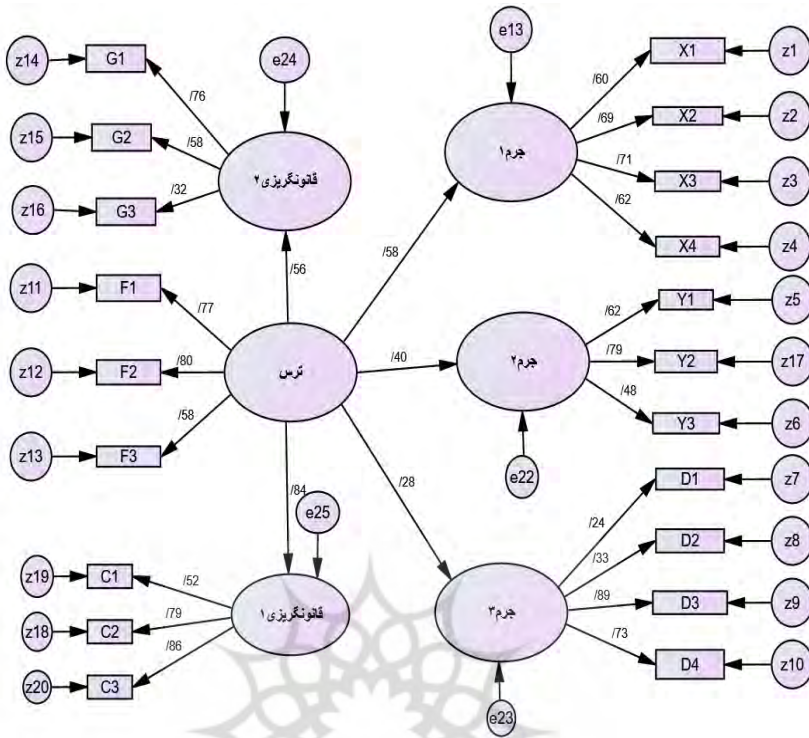
جدول شماره ۱۱: جدول راهنمای مدل معادله ی ساختاری پژوهش

نام گویه‌های متغیر در مدل	گویه های متغیر	نام متغیر در مدل	ابعاد متغیر در فرضیات	نام متغیر در فرضیات
X1	هیجان انگیز بودن سرقت	جرم ۱	بعد عاطفی	گرایش به
	مصرف حشیش باعث تمرکز می شود.			
X2	قرص های روانگردان به آدمی شادی و هیجان می دهد.			

نام متغیر در فرضیات	ابعاد متغیر	نام متغیر در مدل	گویه های متغیر	نام گویه های متغیر در مدل				
ارتکاب جرم			مصرف الکل باعث می شود که آدم سختی های زندگی اش را فراموش کند.	X3				
			این روزها کشیدن تریاک یا حشیش دیگر عیب نیست از نظر من سیگار کشیدن عیب نیست.					
			احتمال مصرف مواد مخدر در مهمانی در صورت تعارف کردن					
	بعد رفتاری	جرم ۲		احتمال تقلب در جلسه ی امتحان در صورت وجود موقعیت مناسب	D1			
				به غیر از ازدواج من راه های دیگری را برای رفع نیازهای جنسی انتخاب می کنم				
				در بین دوستان نزدیک من کسانی هستند که مواد مخدر مصرف می کنند.	D2			
				شرکت در نزاع جمعی را نشانه ی غیرت و مردانگی می دانم				
				جهت برآورده کردن نیازهای خانواده ام حتی حاضر به سرقت هستم	D4			
				بعد شناختی	جرم ۳		آگاهی از بی اعتبار شدن به خاطر سرقت	Y1
							آگاهی از بیماری کبدی و قلبی بر اثر مصرف مشروبات الکلی	Y2
آگاهی از اعتیادآور بودن مواد مخدر								
آگاهی از ایجاد سرزنش به خاطر خشونت	Y3							
گرایش به قانون گریزی	بعد رفتاری	قانون گریزی ۱	در برخی شرایط می توان قوانین رانندگی (عبور از چراغ قرمز، سرعت بالا، سبقت غیر مجاز و داشتن گواهینامه و...) را نادیده گرفت.	G1				
			می توان دفترچه بیمه درمانی خود را در اختیار دیگران قرار داد، تا از آن استفاده کنند.					
			اگر موقعیتش پیش بیاید، در صف نان، بنزین و یا خرید اجناس از دیگران جلو می زنم.	G2				
			اقدام به خرید یا استفاده از کالاهای غیر مجاز ماهواره، فیلم های خارجی بدون مجوز پخش اشکالی ندارد.					
			برای رفع یک کار اداری می توان مشکل خود را با پول یا پارتی حل کرد.	G3				
			اگر فیش آب و برق و تلفن خود را دیرتر از مهلت مقرر پرداخت نکنیم، هیچ اشکالی ندارد.					
	بعد شناختی	قانون گریزی ۲		رعایت قانون وظیفه من است.	C1			
				معتقدم اگر بخواهی قانون را رعایت کنی از بقیه عقب می مانی.	C2			
				اگر آدم زرتنگ باشد، به راحتی می تواند قوانین را نادیده بگیرد.				
				معتقدم اگر قانون را رعایت نکنیم می توانیم با پرداخت رشوه مجازات نشویم.	C3			
		کسانی که قانون را رعایت نمی کنند، در زندگی موفق ترند.						

جدول شماره ۱۲: ادامه ی جدول راهنمای مدل معادله ی ساختاری پژوهش

نام متغیر در فرضیات	ابعاد متغیر	نام متغیر در مدل	گویه های متغیر	نام گویه های متغیر در مدل
ترس از دست دادن	-	ترس	از اینکه دیگران در حال گذران اوقات بهتری از من باشند، ناراحت می شوم.	F1
			از اینکه دوستانم بدون حضور من، در حال گذران اوقات خوبی باشند، ناراحت می شوم.	
			موقع که نمی دانم دوستانم در حال انجام چه کاری هستند، نگران می شوم.	
		ترس	برایم مهم است که بدانم دوستانم در حال انجام چه کاری هستند.	F2
			زمانی که فرصت دیدن دوستانم را از دست می دهم ناراحت می شوم.	
			در اوقات فراغت بخشی از زندگی روزمره ام را از طریق رسانه ها به دوستانم گزارش می دهم.	
			زمانی که برنامه ای با دوستانم دارم و آن را از دست می دهم ناراحت می شوم.	F3
			زمانی که به تعطیلات می روم، تلفن خود را همراه دارم که بدانم دوستانم در چه وضعیتی قرار دارند.	
			گاهی اوقات تعجب می کنم که زمان زیادی را برای اینکه بفهمم دیگران در حال انجام چه کاری هستند صرف کرده ام.	



مدل ۲: مدل معادله ساختاری

جدول شماره ۱۳: نتایج ارزیابی برازش الگوی پیشنهادی بر اساس شاخص‌های برازندگی

DF	P	Chi-square	RMSEA	GFI	IFI	DF/CMIN
۳۶۷	۰/۰۰	۱۶۴/۹۶	۰/۰۶	۰/۸۹	۰/۹۱	۳/۴۰

از آنجا که معیارهای $GFI=0/89$ ، $TLI=0/93$ و $IFI=0/91$ نزدیک به یک می‌باشند، حاکی از برازش زیاد مدل و معیار $RMSEA=0/068$ حاکی از عملکرد ضعیف باقیمانده‌ها در مدل است.

بحث و نتیجه گیری

با اینکه ترس از در حاشیه ماندن یا فومو، یک موضوع کاملاً جدید نیست. اما بحث در مورد ترس از در حاشیه ماندن بطور معناداری با ظهور فناوری جدید یعنی رسانه‌های اجتماعی در حال افزایش است. ترس از در حاشیه ماندن در طول تاریخ در هر کانال ارتباطی که به افراد امکان به دست آوردن آگاهی از

زندگی دوستان، خانواده و حتی غریبه‌ها وجود داشته است. این کانال‌های ارتباطی در گذشته، شامل روزنامه‌ها، نامه‌ها، تصاویر و خبرنگارهای ماهانه و سالانه بود اما با پیشرفت تکنولوژی دریافت اطلاعات از دیگران آسان تر شده است.

این مطالعه با هدف تبیین ترس از در حاشیه ماندن و ارتباط آن با گرایش به ارتکاب جرم و گرایش به قانون‌گریزی در میان نوجوانان انجام شده است. برای دست‌یابی به این هدف پنج فرضیه با استفاده از نظریات معاشرت ترجیحی، مقایسه اجتماعی، رفتار مشکل‌ساز، مهار و خود تعیین‌نگری و تحقیقات پیشین تدوین شد و با آزمون همبستگی به آزمون برده شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که میان ترس از در حاشیه ماندن و گرایش به ارتکاب جرم در ابعاد عاطفی شناختی و رفتاری ارتباط وجود دارد. از این رو، نوجوانان برای تایید شدن و پذیرش توسط گروه‌های همسالانشان گرایش به ارتکاب جرایم و قانون‌گریزی دارند. یافته‌های این پژوهش در مورد معنادار بودن ترس از در حاشیه ماندن با گرایش به ارتکاب جرم با یافته‌های کوئاری (۲۰۲۳) مشابه می‌باشد. یافته‌های او نشان داد که ارتباط مثبتی بین استفاده از رسانه‌های اجتماعی و مصرف مواد ناشی از ترس از در حاشیه ماندن وجود دارد. علاوه بر این، یافته‌های این پژوهش با یافته‌های ام‌سی‌کی و همکاران (۲۰۲۲) مشابه می‌باشد. یافته‌های آن‌ها نشان داد که ترس از در حاشیه ماندن با مصرف الکل و مواد مخدر، تقلب در امتحان و رفتارهای غیرقانونی ارتباط دارند. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های حسینی و همکاران (۱۴۰۱) مشابه است. یافته‌های آنها نشان داد که ترس از در حاشیه ماندن نیز بر قربانی‌قلدری سایبری اثر مستقیم دارد.

یافته‌های این پژوهش در زمینه‌ی معنادار شدن ارتباط میان ترس از در حاشیه ماندن و گرایش به ارتکاب جرم در ابعاد عاطفی شناختی و رفتاری می‌تواند تقویت‌کننده نظریه‌ی معاشرت ترجیحی ساترلند باشد. از نظر ساترلند اگر فردی به‌طور متفاوتی با بیشتر کسانی مرتبط باشد که در رفتارهای انحرافی و مجرمانه درگیر شده‌اند یا گرایش‌های شبه مجرمانه از خود نشان

می‌دهند، احتمال بیشتری دارد که در این رفتارهای انحرافی یا مجرمانه درگیر شود. علاوه بر این یافته‌های این پژوهش می‌تواند تقویت‌کننده نظریه مهار باشد. در این نظریه افراد همواره در معرض کشش‌هایی مثل تشویق گروه همسالان و مقبولیت در خرده فرهنگ‌ها هستند، نوجوانانی که ترس از در حاشیه ماندن بیشتری دارند، برای کسب مقبولیت در نزد خرده فرهنگ‌ها و گروه همسالان خود ممکن است درگیر جرایمی با خطرات بالاتر باشند. یافته‌های این پژوهش می‌تواند تقویت‌کننده نظریه رفتار مشکل ساز باشد. در این نظریه یکی از علل انجام رفتارهای پرخطر نوجوانان عوامل محیطی و گرایش به همسالان و حفظ ارتباط با آنها ذکر شده است از این رو نوجوانانی که ترس از در حاشیه ماندن دارند و سعی در حفظ ارتباط و بررسی اطلاعات از دوستانشان هستند تاثیر بیشتری از گروه همسالان و انجام کارهای پرخطر دارند. به طور کلی کودکان و نوجوانان بزهکار رفتار کسانی را که دوست دارند و به آنها احترام می‌گذارند را تقلید می‌کنند. افراد عادی به شنیدن نظر و ارزیابی دیگران علاقه دارند، اما افرادی که دچار ترس از در حاشیه ماندن هستند، با کوچک ترین اشاره منفی از سوی مردم، مستأصل و به شدت متزلزل می‌شوند؛ بنابراین از برقراری ارتباط سالم و صمیمی با دیگران دوری می‌جویند و در ارتباطات محدودی که دارند نیز دائماً منتظر هستند دیگران آنها را تحقیر کنند. آنها ممکن است با یک یا دو دوست رابطه نزدیک برقرار کنند، اما تداوم این دوستی، بستگی به پذیرش بلاشرط آنان از سوی دوستان دارد.

یافته‌های این پژوهش در مورد معنادار بودن ترس از در حاشیه ماندن با قانون گریزی با یافته‌های ام سی کی و همکاران (۲۰۲۲) مشابه می‌باشد. یافته‌های آن‌ها نشان داد که ترس از در حاشیه ماندن با مصرف الکل و مواد مخدر، تقلب در امتحان و رفتارهای غیرقانونی ارتباط دارند. علاوه بر این، با یافته‌های ککر (۲۰۲۲) مشابه می‌باشد. در پژوهش ککر نیز میان ترس از در حاشیه ماندن، اعتیاد به رسانه‌های اجتماعی و پرخاشگری و مشکلات روانشناختی افراد ارتباط معناداری وجود دارد و با یافته‌های سرافراز و همکاران (۱۳۹۹) مشابه

است. آنها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که گروه همسالان و ارتباط با آنها با قانون‌گریزی ارتباط معناداری دارد.

یافته‌های این پژوهش در زمینه‌ی معنادار شدن ارتباط میان ترس از در حاشیه ماندن و گرایش به قانون‌گریزی در ابعاد عاطفی شناختی و رفتاری می‌تواند تقویت‌کننده نظریه‌ی خودتعیین‌نگری باشد. در این نظریه نیاز به ارتباط زمانی برآورده می‌شود که فرد احساس همبستگی با دیگران را و اینکه از جانب آنان مهم تلقی می‌شود را تجربه کند. از این رو فرد ممکن است به این باور برسد که برای تعلق داشتن به یک گروه باید از اینکه دیگران در حال انجام چه کاری هستند آگاهی یابد تا فعالیت‌هایی را انجام دهد که دیگران انجام می‌دهند و این‌گونه است که می‌توان موقعیت خود را در یک گروه تضمین کند. نیاز به تعلق داشتن، نیاز به پذیرفته و تایید شدن افراد در گروه دوستان و همسالان از جمله نیازهای مهم به خصوص در نوجوانی است. پس برخی از افراد برای ارضا این نیاز، به راحتی با گروه مورد نظر خود هم‌نواپی می‌کنند، هنجارهای گروه خود را می‌پذیرد و از عقاید آن‌ها تقلید می‌کنند و به قانون‌گریزی گرایش پیدا می‌کنند. علاوه بر این، یافته‌های این پژوهش در زمینه‌ی معنادار شدن ارتباط میان ترس از در حاشیه ماندن و گرایش به قانون‌گریزی در ابعاد عاطفی شناختی و رفتاری می‌تواند تقویت‌کننده نظریه‌ی مقایسه اجتماعی باشد. در این نظریه، افراد برای ارزیابی خود در مقایسه با دیگران، خود را ارزیابی می‌کنند. در اغلب موارد، انسان سعی می‌کند خود را نسبت به کسانی که در گروه همسالانش است مقایسه کند یا با آنها مشابه شود. هنگام مقایسه زندگی فرد با همسالان در رسانه‌های اجتماعی، گزینه‌های متنوعی ارائه می‌شود که همیشه جذاب‌تر از فعالیتی است که فرد در حال حاضر انجام می‌دهد و این موضوع سبب به وجود آمدن ترس از در حاشیه ماندن و در نتیجه قانون‌گریزی برای همانند شدن با همسالان فرد می‌شود. با گسترش سریع اینترنت و افزایش تعداد کاربران فضای مجازی بخش قابل توجهی از زندگی افراد در این فضا می‌گذرد، این روند افزایشی است و به علت امکانات متعدد آموزشی، ارتباطی، تفریحی و سرگرمی، حضور آن برای نسل نوجوان و جوان تقریباً

اجتناب ناپذیر شده است. گسترش روز افزون استفاده از رسانه‌های اجتماعی و ترس از در حاشیه ماندن می‌تواند کاهش علاقه جوانان به مشارکت‌های اجتماعی و فعالیت‌های مدنی را در پی داشته باشد و بر مهارت‌های اجتماعی آنان تاثیر منفی بگذارد، علاوه بر این، موجب گرایش آن‌ها به ارتکاب جرم و قانون‌گریزی شود. پیامدهای جرم نوجوانان و جوانان، علاوه بر ضرر و زیان همه‌جانبه‌ای که متوجه افراد و جوامع می‌شود، هدر رفتن سرمایه‌های ملی و تباهی نیروها و استعداد‌های جوانانی است که از مهم‌ترین سرمایه‌های هر کشور محسوب می‌شوند.

پیشنهاد‌های کاربردی

- ایجاد روابط عاطفی و سالم توسط خانواده‌ها در بین اعضای خود و ایجاد شرایط مطلوب برای گذران اوقات فراغت خود جهت جایگزین نشدن زندگی در فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی به جای فضای حقیقی.

- شناسایی بزهکار یا مجرم سایبری توسط پلیس با بهره‌مندی از آموزه‌های جرم‌شناسی سایبری، تحلیل مسائل مجرمانه و ناهنجار فضای مجازی و ارائه راهکار برای حذف یا محدود کردن این عوامل با همکاری نهادهای مسئول در کنترل یا مراقبت عوامل مذکور

- آموزش به نوجوانان و برگزاری جلسات آموزشی در مدارس و آموزش به دانش‌آموزان در مورد فضای مجازی و هشدار به آنها در مورد گرایش نوجوانان و همسان شدن با گروه همسالان و انجام دادن جرایم مشابه توسط پلیس فتا

سپاسگزاری

در پایان لازم می‌دانیم از مدیران مدارس و دانش‌آموزان عزیز که در انجام این پژوهش ما را یاری کردند، تشکر و قدردانی کنیم.

اسدی، هانا؛ شریفی، فواد. (۱۴۰۱). تدوین و اعتبار سنجی مقیاس ترس از در حاشیه ماندن در جامعه ایرانی. *فصلنامه پژوهش های کاربردی در مشاوره*. ۵(۲). ۱۶۹-۱۴۷.

https://www.jarci.ir/article_704289.html

اکبرپور، جواد علی؛ راد، فیروز. (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط: میزان گرایش به ارتکاب جرم در مناطق ده گانه تبریز. *مطالعات جامعه شناسی*، سال هفتم، شماره ۱ بیست و ششم، ۳۵-۲۱.

<https://sanad.iau.ir/journal/jss/Article/524052?jid=524052>

بایرامی، رقیه؛ مقدم تبریزی، فاطمه؛ طالبی، عرفانه؛ ابراهیمی، سمیرا. (۱۳۹۸). بررسی ارتباط ترس از در حاشیه ماندن و استفاده از شبکه های اجتماعی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه. *مجله پرستاری و مامایی*، ۱۷(۵)، ۳۶۲-۳۵۵.

<https://unmf.umsu.ac.ir/article-1-3796-fa.html>

حسین زاده، علی حسین؛ بوداقتی، علی؛ خمیسی، امل. (۱۴۰۱). تعیین گره های اجتماعی و روان شناختی گرایش به ارتکاب جرم (مورد مطالعه: جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال شهر اهواز). *جامعه شناسی نهادهای اجتماعی*، ۹(۱۹)، ۳۴-۷.

https://ssi.journals.umz.ac.ir/article_3855.html

حسینی اسفیدواجانی، مظهره السادات؛ قربان جهرمی، رضا؛ درتاج، فریبرز؛ حسینی، سید بشیر. (۱۴۰۲). هیجان های منفی، ترس از در حاشیه ماندن و قربانی قلدری سایبری: یک مدل معادلات ساختاری برای نوجوانان. *پژوهش های روانشناسی اجتماعی*، ۱۳(۴۹)، ۹۱-۱۰۱.

https://www.socialpsychology.ir/article_170850.html

سرافراز، پرنیان؛ نیکخواه، هدایت؛ رستگار، یاسر. (۱۳۹۹). تحلیلی بر زمینه های اجتماعی پدیده ی قانون گریزی (جوانان ۱۸-۳۵ سال شهر بندرعباس). *فصلنامه انتظام اجتماعی*. ۱۲(۳)، ۱۸۶-۱۶۱.

http://sopra.jrl.police.ir/article_95134.html

شیخ الاسلامی وطنی، گلاویز؛ آشوری، محمد؛ مهرا، نسرین؛ مهدوی ثابت، محمدعلی. (۱۴۰۲). کنکاشی بر درون مایه های نظریه مهار؛ رویکردی تطبیقی به اهرم های بازپروری مجرمان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. *دستاوردهای نوین در حقوق عمومی*. ۱۲(۳)، ۳۷-۱۸.

<https://www.sid.ir/paper/1079751/fa>

علی بابایی، یحیی؛ فیروز جایبان، علی اصغر. (۱۳۸۸). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل موثر بر قانون‌گریزی. دانش انتظامی، ۱۱(۴) ۵۸-۷.

https://journals.iaui.ir/article_668597.html

علیزادگانی، فاطمه؛ اخوان تفتی، مهناز؛ خادمی، ملوک. (۱۳۹۶). بررسی علل گرایش به رفتارهای پرخطر در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی شهر تهران. فصلنامه انتظام اجتماعی، ۹(۲)، ۱۲۸-۱۰۳.

http://sopra.jrl.police.ir/article_96906.html

فتح تبار فیروزجایی، سمیه؛ اسداللهی، عبدالرحیم؛ حاجی عزیزی، شیوا؛ عرب پور، سید امین؛ هواسی، علی. بررسی ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی مجرمین مواد مخدر در مناطق شهرداری اهواز با استفاده از سیستم اطلاعات مکانی GIS. فصلنامه‌ی اعتیادپژوهی، سال نهم، شماره ی سی و ششم، ۱۴۰-۱۲۵.

https://etiadjohi.ir/search.php?slc_lang=fa&sid=1

کریمی، علیرضا. (۱۴۰۱). تحلیلی بر بزهکاری اطفال و نوجوانان در پرتو نظریه معاشرت ترجیحی و تعامل نمادین. مجله دستاوردهای نوین در مطالعات انسانی، سال پنجم، شماره ۵۲، ۱۴۶-۱۳۳.

<https://jonahs.ir/showpaper/39775277264b81f5d341ec>

محمدی صادق، سعید؛ علم زاده، شوکت. (۱۴۰۰). مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر فضای مجازی بر ارتکاب جرم جوانان و نوجوانان (مطالعه موردی: جوانان و نوجوانان زندانی در زندان‌های استان سیستان و بلوچستان). فصلنامه انتظام اجتماعی، ۱۳(۴)، ۱۸۸-۱۶۷.

http://sopra.jrl.police.ir/article_98942.html

معظمی، شهلا. (۱۳۹۰). بزهکاری کودکان و نوجوانان. تهران: انتشارات دادگستر.

Abel, Jessica P., Cheryl L. Buff, and Sarah A. Burr. (2016). Social media and the fear of missing out: Scale development and assessment." Journal of Business & Economics Research (Online) 14.1 (2016): 33.

<https://doi.org/10.19030/jber.v14i1.9554>

Cargill, M. (2019). The relationship between social media addiction, anxiety, the fear of missing out, and interpersonal problems (Doctoral dissertation, University of Akron).

<https://search.proquest.com/openview/503423691d0ad8c8197a5dab9b8e76e5/1?pq-origsite=gscholar&cbl=51922&diss=y>

Chen, Q., & Chen, Y. (2022, February). The Relationship Between Family Function and Fear of Missing Out: A Serial Mediation Model.

- In Proceedings of the 5th International Conference on Big Data and Education (pp. 279-283).
<https://dl.acm.org/doi/abs/10.1145/3524383.3524437>
- Fuster, H., Chamarro, A. and Oberst, U. (2017). Fear of Missing Out, online social networking and mobile phone addiction: A latent profile approach, *Revista de Psicologia, Ciències de l'Educació i de l'Esport: Aloma* 35(1), 23-30
<https://recercat.cat/handle/2072/287864>
- Jood, T.E. (2017). Missing the present for the unknown: the relationship between fear of missing out (FoMO) and life satisfaction. University of South Africa, Master Thesis.
<https://core.ac.uk/download/pdf/95521623.pdf>
- Kacker, P., & Saurav, S. (2020). Correlation of missing out (fomo), anxiety and aggression of young adults. *International Journal of Research-Granthaalayah*, 8(5), 132-138.
 DOI: <https://doi.org/10.29121/granthaalayah.v8.i5.2020.107>
- Kothari, T. (2023). Social Media Causes Fear of Missing Out (FOMO) and Substance Abuse among Adolescents. *International Journal of Indian Psychology*, 11(3).
<https://ijip.co.in/index.php/ijip/article/view/6109>
- McKee, P. C., Budnick, C. J., Walters, K. S., & Antonios, I. (2022). College student Fear of Missing Out (FoMO) and maladaptive behavior: Traditional statistical modeling and predictive analysis using machine learning. *PLoS one*, 17(10), e0274698.
<https://journals.plos.org/plosone/article?id=10.1371/journal.pone.0274698>
- Przybylski, A.K., Murayama, K., DeHaan, C.R., & Gladwell, V. (2013). Motivational, emotional, and behavioral correlates of fear of missing out. *Computers in Human Behavior*, 29(4), 1841-1848.
<https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0747563213000800>
- Przybylski, A.K., Murayama, K., DeHaan, C.R., & Gladwell, V. (2013). Fear of missing out scale. *PsycTESTS Dataset*. DOI, 10.
<https://psycnet.apa.org/getdoi.cfm?doi=10.1037/t23568-000>